

پیدایش خلق ترکمن



از انتشارات
کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

پيدايش خلق تركمن

انشارات:

کانون فرهنگی و سیاسی خلق تركمن

۱۳۶۴

پیشگفتار

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن در تحقیق یکی از اهداف خود مبتنی بر تحقیق و بررسی پیرامون تاریخ و فرهنگ خلق ترکمن مطلب زیر را ترجمه و تنظیم نموده و در اختیار رخوانندگان و علاقمندان قرار میدهد.
درنوشته حاضر به تاریخ پیدایش ترکمنها، اینکه آنها از کدام قبایل، طوایف و اقوام بوده‌اند، درجه‌شرايطی و درجه زمانی و در کجا می‌زیسته‌اند. روابط اقتصادی - اجتماعی آنها با سایر اقوام و ملت‌ها جگونه بوده و چه تأثیراتی بر تاریخ تکامل آنان بر جای گذاشده، قوم ترکمن درجه زمانی شکل‌گرفته است و در پروسه رشد خود چگونه به ملت ترکمن تبدیل گردیده، پرداخته شده است.
دراین مطلب همچنین به شکل‌گیری پیدایش اقوام ترکمن در دوران‌های اغا زین پروسه فوق توجه بیشتری شده است. اما ضروری است قبل از آغاز سخن پیرامون ترکمنها، مختصراً و بطور عام درباره طوابق، اقوام و ملت‌ها مطالعی مورد تاکید قرار گیرد و این امر که آنها چگونه بوده، مورد بررسی قرار گیرد.

کانون فرهنگی و سیاسی خلق ترکمن

۳	پیشگفتار
۴	توضیحی چند درباره طوایف، قبایل، اقوام
۶	نیاکان ترکمن‌ها
۹	سلجوچها
	آغا زپروسه تکامل قوم ترکمن
۱۲	پیدایش نام ترکمن‌ها
۱۶	تکامل قوم ترکمن و پیدایش ملت ترکمن
۲۰	پیدایش ملت سوسیالیستی ترکمن
۲۳	پروسه شکل‌گیری ملت ترکمن در ایران

توضیحی چند درباره طوایف، قبایل و اقوام

صدھا کیلو متر کوچ می نمود تدوین میران داد و ستدیا طوا یف مجا و رگستر شمی یا فت در چنین زمینه ای شکل توبن تجمع انسانی یعنی اقوام پدید آمد در ترکیب اقوام دهها قبیله و گاهی قبایل منسوب به نژادها مختلف وارد می شدند.

- اقوام طی دو فرما سیون بزرگ تاریخی یعنی دورانهای برده داری و فئودالیزم دوام یافتند. قدیمی ترین اقوام حشود ۵ - ۴ هزار سال پیش بوجود آمدند. در طی مدت زمان طولانی کماز آن روزگار رسپری شده است، اقوام بذون تغییر مانده اند، برخی اقوام کوچک بهم آمیخته و پاره ای دیگرازهم پاشیده واقوام جدیدی پدید آورده اند.

بعدها، هنگامی که نظام سرما یهدا ری بتدریج جایگزین فئودالیزم گشت، تجارت و صنعت رشد سریع خود را آغاز نمود و روابط اقتصادی میان انسانها تحکیم یافت، پروسه تبدیل اقوام رشد بافت و تکامل به "ملتها" آغاز گردید ملت شکلی اجتماع افراد است که وجه مشخصه آن عبارتست از بهم پیوستگی و وحدت اقتصادی، اشتراک سرزمین، اشتراک زبان و اشتراک فرهنگ معنوی و خصوصیات روانی. ملت با استحکام خود را نظر سر زمین، زبان و فرهنگ و قبل از همه پیوستگی روابط اقتصادی از قوم متما بزمی گردد.

ملتها ۵۰۰ سال قبل در سر زمینهای رشید افته اروپای غربی که گام در راه رشد سرما یهدا ری نهاده بودند شروع به پیدا یی نمودند. به موازات شکوفایی سرما یهدا ری ملت ها در نقاط دیگر جهان نیز پاگرفتند. ملت (ملت بورژوا یی)، طبقات متخاصم، اعم از سرمایه داران و کارگران و فئودالها و دهقانان را در بر می گرفت مبارزه لاینقطه میان ثروتمندان و تهدیدستان میان استثمارگران و استثمار شووندگان ملت های بورژوا یی را می سایدوا زتوان می اندازد. با پیدایش نظام سوسیالیستی ملت های نوع جدید، ملل سوسیالیستی پدید آمدند، ملل سوسیالیستی از آنجا که از طبقات و اقسام غیر متخاصم یعنی کارگران، دهقانان و روشن فکران خلقی تشکیل یافته اند از ملل بورژوا یی متما بزمی گردند. بهمین سبب تضاد آشتنی ناپذیر طبقاتی در میان ملل سوسیالیستی وجود ندارد و بدها این لحاظ روابط درونی آنها بسیار مستحکم تر از ملل بورژوا یی است. برای نخستین بار ملل سوسیالیستی در اتحاد جما هیرو شوروی سوسیالیستی در اواسط سالهای ۳۵ بوجود آمدند! ملل سوسیالیستی در شرایط ذمکراتیک، در شرایط همیاری متقابل رشد می یابند. بهمین سبب حس انتerna سیونالیسم پرولتاری احتراز به خلقهای دیگراز صفات ذاتی این ملت هاست. هر ملت سوسیالیستی جهت شکوفایی اقتصادیات خود و رشد و نیرومندی دولت شمدن و فرهنگ ملی خویش از امکانات لازم برخوردار است. در عین حال هر کدام از آنها به موازات کسب پیروزی های اقتصادی و فرهنگی هم دیگراوغنی ترساخته و بتدریج بهم نزدیک می شوند. رشد ملت های سوسیالیستی حتی در دوران کمونیزم مدت های مديدة

هزاران سال پیش، آنگاه که انسانها در حالت نیمه وحشی می زیستند، و هنوز شهر، دولت و ملتی وجود نداشت، طوایف و اقوام رفته شکل گرفتند. طایفه، بمثابة نخستین شکل تجمع انسانی، بزمینی پیوندهای می ساخت. مالکیت در طایفه مالکیت جمعی بود. مردان به شکار می پرداختند و زنان دانه های عذا یی، گرد و وقار جمع می کردند و اقتصاد خانوار از آن داره می نمودند. در این دوره از آنجا که مطمئن ترین راه شناخت خویشاوندی از طریق مادر بود و همچنین زنان در اقتصاد خانوار نهاده نقش برجسته ای ایفا می کردند، موقعیت زن با لاتراز موقعيت مرد بود. مقرر از طایفه ازدواج مردان با دختران طایفه را منوع می ساخت، بهمین سبب مردان یک طایفه با دختران طوایف هم جوا را زدواج نموده، یازن خود را به طایفه خویش می آوردند و یا خود به طایفه والدین همسر خود می پیوستند از طریق این گونه روابط چند طایفه که به یک زبان سخن می گفتند بهم پیوسته و قبیله را بوجود دمی آوردند.

شکل تجمع قبیله ای - طایفه ای حتی پس از رام کردن حیوانات و فراگیری شیوه های بهره داری از زمین و گذا ربه داری و کشاورزی نیز در میان انسانها حفظ گردید. در برخی از عقب مانده ترین نواحی کره زمین (در کوههای جزیره ایریان، بعضی مناطق افریقا مرکزی و جنگلهای آمریکای جنوبی) حتی تا همین اوخر نیز اشکال طایفه ای قبیله ای وجود داشت. مضاف برآن بقایای چنین ساخته ای در بین بسیاری از خلقها، از جمله خلق ترکمن هنوز نیز حفظ می گردد.

با گذشت زمان انسانها از وضعیت زندگی نخستین خارج شدن دو پیوندهای اقتصادی و اجتماعی آنان بطرز چشمگیری گسترش یافتند. کشاورزان ساکن جلگه های کناره رودخانه ها با ایجاد شکله های آبیاری پیچیده و احداث کانالهای بزرگ بهای یا دشپرها پرداختند. دامداران نیز بهمراه دامهای خود به مناطق دور دست، گاهی تا فاصله

ویلیغون تپه در حومه "معنه جا چی" و ... محل استقرار چنین روستاها بوده‌اند که هنوز نیز پا بر جا هستند. حدود جهای رهزا رسال قبل، طوا یاف صحرانشین ارشکاره‌داری روی آورده‌است. افزایش تدریجی شما زدا مها، امکان اسکان طولانی دریک محل را از آنها سلب می‌نمود و آنها را به سوی کوچ نشینی سوق می‌داد. لازم به‌یاد آوری است که بسیاری از طوابیف در اداره که هم زمان به‌دامداری و کشاورزی اشتغال داشته‌اند در آن روزگار مانند ترکمن‌های ۱۵۰-۵۰ سال پیش، بخشی به صورت کوچ نشین و بخشی دیگر به شکل اسکان یافتند (بخته قاپو) زندگی می‌کردند. در دوران باستان و سده‌های میانه بخش عمده ترکمن‌ها را همان طوا یاف نیمه اسکان دامدار - کشاورز تشكیل می‌داد. کشاورزان دامداران بطور مدام و با همدیگر دوست‌دمی کردند، آنها غله را بآرام، فراورده‌های پوستی و پشم مبارله می‌نمودند، چنین بود پرسه تقسیم ترکمن‌ها به مردمان دامدار و کشاورز که تازمان مان بیزند و یا فته است.

کشاورزان تنها به استفاده از آب چشم‌های بسته‌ها بسته تکرده، بتدریج استفاده از آب رودخانه‌های مرغاب، تجن و حتی رودهای یزدگی چون حیجون را نیز جهت آبیاری اراضی خود فراگرفتند. برای این کار احداث سدهای بزرگ، حفر کانال‌های اصلی ولاپوبی سالانه آنها ضرورت داشت و این کاری بود که اشتراک عمل، رنج و زحمت متحده تمامی اهالی منطقه را طلب می‌کرد. این عامل در کنار روابط تجاری و بیهودگری دست بزرگ داشت هم‌داده به وحدت تدریجی قبایل و بیدایی اقوام یاری و ساند.

همزمان با پرسه فوق الذکر و به موازات افزایش تعداد صحرانشینان، دامداران ناگزیر بودند تا هرچه بیشتر کم بود مرتع را تحمل نمایند. بهمین سبب حدود ۳/۵ هزار سال قبل جمعیت عظیمی از دامداران نیمه اسکان یافته شمال سرزمین اقوام ترکمن و روبدیه جنوب را آغاز کردند و حتی بخشی از آنان تا ایران و هندوستان نیز نفوذ نمودند. طوا یاف کوچ نشین که از شمال وارد ایران شدند (ترکمن صحرای کنونی)، اندک اندک با مردمان کشاورزی و بزبومی در آمیخته و بخشی از آنان در این منطقه اسکان گزیدند.

- در هزاره نخست قبل از میلاد در نواحی مزروعی که امروز ترکمنها اسکان یافته‌اند اقوام گوناگونی زندگی می‌کرده‌اند.

آخال، اتك و بخش سفلای رودجن (هریروود) و نیزناحیه شمال شرقی ایران کنونی محل زندگی "پارت‌ها" بوده است. پارت‌هادر نتیجه آمیزش بومیان کشاورز جلگه نشینان دامداری که از نواحی شمال به این مناطق کوچ کرده بودند بوجود آمدند. بخشی از پارت‌ها به کشاورزی و بخش دیگر در چراگاه‌های کوهستانی و اطراف صحراء قره قوم - در امتداد تلاقی آن با "کوپت داغ" (کوه‌های کوبت) به دامداری اشتغال داشته‌اند. پارت‌های قارلی های نفیس و اسبان تیز تک خود شهرت داشته‌اند. لشگر پا رتها به قارلی های نفیس و اسبان تیز در حومه "کاکا" یا سی تپه در جنوب رود اترک "دوشاق" "التنین تپه"

ادامه خواهد آشت. در عین حال روندزدیکی ملل به یکدیگر تیز رفت. رفتہ شتاب بیشتری خواهد گرفت و هر ملتی - حتی کوچکترین آنها - سهم خوبیش را به اقتصاد و تمدن جهانی خواهد فزود.

۱ - طبقات استثمارگر در اتحاد شوروی نه در سال ۱۹۱۷، بلکه در اواسط سال‌های ۳۵-۴۰ از میان رفتند. به معنای دیگر در فاصله ۱۹۱۷-۱۹۳۵ طبقات استثمارگر بودند و این پرسه در اواسط سال‌های ۱۹۳۵ خاتمه یافت.

نیاکان ترکمن‌ها

در محدوده‌ای که هم‌اکنون ترکمنها سکونت دارند (۱) در روزگار از کهن - دههای رهای بخش سفلای رودخانه جیحون و مسیر رودخانه "اوزبکی" زیستگاه طوا یاف ما هیگر بود طوا یاف شکارچی در کوهستانها و دشتها اسکان گزیده بودند. نهایا هیگریان و نهایا دان قادر به ساختن خانه واستفاده از فلزات بوده‌اند. آنان درغا و هما "چاتما" ها (نوعی کلبه) زندگی می‌کردند و با زمود را ستفاده آنها را تیر و کمان هایی با پیکانهای سنگی، تبرها و کاردھای سنگی و چوبهای دستی ساخته شده تشكیل می‌دادند.

قریب ۸-۹ هزار سال پیش، نخستین روستاها کشاورزان در بیرونی آخال و اتك "پذیدآمد" روستانشینان در خانه‌های بزرگ - که با خشت خام بناسده بود - می‌زیستند. در هر خانه، خانواده‌ای بزرگ و یا حتی تما می‌افرادیک قبیله سکونت داشت و آنان ذرا راضی موطوب و با تلاقی که از آب چشم‌های جوییارها بوجود آمده بود، جوکاشتم و کشت خود را با داسهای سنگی در می‌کردند. به جهت عدم وجود آسیاب زنان دانه‌ها را با سنگ کوبیده آرد می‌کردند و نیز طوف خود را ۱۱ گل رس ساخته، با رنگ قهوه‌ای رنگ آمیزی می‌کرده‌اند. انسانها ۷-۶ هزار سال قبل، نخست بزوسگ و سپس گوسفند، خوک، گاو، اسب و شتر را رام کردند، جهت آبیاری مزارع خود بسته بکنند جوی خوب گرفتند، خیش ساختند و طرز استفاده از آن را آموختند، ذوب فلزات ساختن ابراز، اسلحه و اشیای زینتی را بدست یادگرفتند. بدین ترتیب روستاها گسترش یافت و بزرگ ترین آنها با کشیده شدن حصان پرپیرا مونشان خصوصیات شهرهای کوچک را بخود گرفتند. روستاها پارسی تپه "دربا با عرب"، "ایکی تپه" در حومه "انو" "ناما زغاتیه" در حومه "کاکا" یا سی تپه در جنوب رود اترک "دوشاق" "التنین تپه"

لازم به یاددا وری است که شروت اصلی انها دا مها یشان بوده است. در میان داخها و ماساگتها ثروتمندانی از نوع رهبران قبایل و طوایف وجود داشت، سلاح آنان بسیار رگران ترینها بودند اما سوزین و رگاسپان خویش را با طلامی آراستند. در جوا روجو-جنین اعیانی بی تعداد تهدستان و بردهگان نیز زیاد بود. داخها و ماساگتها جنگا و رانی بی باک و سوار کارانی ما هربودند. آنان آفتا-زاكه به شکل پهلوانی با کلاه خود زرین، کمانی کشیده و پیکان طلایی، سوار بر اسبی بالدار و نیرومند تجسم می یافتد. پرستش می کردند و اسب را جیوانی خوش یم من دانسته با عشق و علاقه و دلسوزی خاصی تیما ورش می داشتند. شبا هست اسبهای داخها، ماساگتها و پهلوانی اسبهای آخال تکه" ویمیوت امروزی توسط داشمندان شوروی روش شده است. افسانه های مربوط به خدا یی که با اسب بالدار خویش در حرکت بود، بعدها هنگام ظهور اسلام اساس روایت "علی بن ابی طالب و دلدل" گشت که در سطح بسیار وسیعی در میان ترکمن ها اشاعه یافت است. متن اسفاشه اطلاعات مادریاره سارماتها - که در کرانه شرقی بحر خزر می زیستند - بسیار کمتر است. داخها، ماساگتها و بخشی از سارماتها احتمالا نیاکان ترکمنهای کتونی اند، بنظر برخی داشمندان داخها حتی نیاکان تکه ها و سارماتها ا جدا دیموتوها بودند.

سلجوقيا

درا وايل سده ياردهم درنتيجه حنگهاي شديد و طولاني عليه
قبايل خمرا نشين (قپچاق ها، كيماق ها و...) وغوزها از محدوده
قرا قستان كنونی رانده شدن دودولت وغوزهان يزا زهم يار شيد. بخشى
آزانان به سوي باختر، به دشت هاي اوکرا عين مها جزت نموده و به
تدریج در آنجا سكني گزیدند و يا حتى دور ترا زآن يعني به سوا حائل
دون و مجا رستان نفوذ نمودند. روس ها آزان را ترك ها و بوتانيان
اوز (بعئي اوغوزها) مي تا ميدند. احتمال داده مي شود كه
يجهنهك "ها و نيز بخشى از طوا يفقا يى، بيا تمه بايندورو... نيز
دراين تغيير مakan شركت ورزيده آند. درقرن ياردهم دوازدهم
اوغوزها، شهرى به نام "توجسك" درا وکرا يىن بنا نمودند. هرگز
نام تركمن ها به اين بخش ازا وغوزها اطلاق نشده است. ضمناً اوغوزهای
نيز كه به سوي باختر رفتند، بعدها بتدریج جذب دیگر حلقهای اروپائی
شرقی گشته اند و ازان فقط شمارا بدکی که در "بسازابی" زندگی
مي کنند، به جاي مانده است (قاقا اوزها).
بخشى ازا وغوزها كه به زورا زسوز مي تهای خود را نده شدند، به سوي

هواس دردل دشمنان می افکند . . .
 - در آن ایام در جلگه مرغاب که در آنجا سیستمی از کانالهای
 بزرگ و پیچیده احداث شده بود، قوم دیگری به نام "مارگیانائیها"
 سکونت داشتند. ما رگیانائیها عمده بکشا ورزی اشتغال داشتند. اما
 در عین حال در چراگاههای سرسبز حوالی جلگه مرغاب به دامداری نیز
 می پرداختند. آنان صنعتگران ماهری داشته و تهیه آهن و ساختن
 سلاحهای بسیار خوب پولادی را خلیی زود فراگرفته بودند. مارگیانائیها
 نیز همانند پا و تها با انگور و شراب خود مشهور بودند . . .

- سومین قوم یعنی خوازه‌رمی‌ها در بخش سفلای رود جیحون شکل گرفت. در آنجانیز همچون ترکمنستان جنوبی اقتصاد مختلف وجود داشته، ولی اساس آن را کشت آبی تشکیل می‌داد. پارتها، مارگیانا یی‌ها و خوازه‌رمی‌ها به زبانی که از شاخه‌های بیان ایرانیان بود تکلم می‌کردند.

در میان هماین اقوام، جا معهده طبقات بهره کش و بهره ده تقسیم می شد. کدخدا یا نژاده حساب دسترنج دهقانان و برگان زندگی می کردند. از برگان عمدتا در کارهای سخت بروی زمین، جنون احداث ولایرویی کانالها، درساختن و تعمیر سدها و ساختما فرعه ها و بنای خدمتکار در کارهای خانه استفاده می شده است. دهقانان از جا بودند بخشی از احشام و محصولات خود را به کدخدا ها داده و همچنین دلاب و سلا لایه کانالهای نیز شکت جویند.

بدلایر و بی سلامه کاتا لە بىز سرىت جويند .
کىدخداها جەت حفظ تسلط خودبىردەقا نان و بىردىگان سازمان دولت
(دستگاھلارى ، ارتىش ، دادگاھلار ، زندانلار و امثال آن) را
بىوجوددا وردىن . درا يىن امررۇخا نىيون و خدا م دىن تىزىيە آنالىيمارى
مى كىردىن . ترکمنلار اسکان يافته آتش و تىزىفرشتكان زمىن و
مەحصۇل ، اپرىستىش مى نمودىن .

محصول را پرسنیس می کنند. پارتها، مارگیانا ییها و خوارزمی ها شهرها و قلعه های داشته اند. که خرابه های آنها در "ارک قالا" و "یازتیه" دریا بین مرغاب، "یلکن تپه" در نزدیکی های استگاه قورشوق" ، کونده لی قیر" در استان داش حوض (در ترکمنستان شوروی) و ... هنوز نیز پاره جاست.

علوه برا قوام يادشه طوایف دیگری (داخها، ماساگت) و سارماتها (نیزدرا راضی موردی بحث اسکان داشته‌اند. آنان که به دادمداد ری اشتغال داشتند در مقایسه با سه قوم پارتیها، مارگیانایها و خوارزمی‌ها بسیار رعیت مانده تربودند. داخهای در بخش شمالی رود اترک و جنوب شرق قازاق‌قوم، ماساگت‌ها در شمال در بنواحی همچو ردریا ری آوال و سارماتها در شمال غرب و شمال کوههای معروف به بالکان بزرگ می‌زیسته‌اند.

دا خها و ما ساكتها از نقطه نظر شیوه زندگی شبا هت بسیاری بهم داشتند. آنان علاوه بردا مداری به زراعت نیز می پرداختند. بطمور مشال دا خهای ساکن دشتیا شمال اتک روستا های بزرگی داشته اند (خرابه های عزت قلی تپه و ما دا و تپه کنونی در اتحادشور وی و ۰۰۰) ولی

دوم قرن یازدهم به یکی از نیرومندترین دولتهاي جهان تبدیل شد. این دولت برآساں غارت بی رحمانه مردمانی که در جنگهاي خونین مغلوب گشته بودند، بنا شده بود. قبایل ترکمن که با نثارخون خود سرزمین ها و ثروتهاي جدیدی نصیب سلاطین خود نموده بودند. بتدریج آزانان متصرف شده و جهت خاتمه دادن به جنگهاي بی پایان، علیه آنان سربه شورش برداشتند، بدین ترتیب این دولت عظیم دراواخر قرن یازدهم از هم پاشید.

در طول جنگهای تجا و زگرانه سلاجوقیان شمارکشیری از ترکمن‌ها به سرزمین‌های فتح شده بویژه به خاور نزدیک (آذربایجان، ارمنستان، آسیا صغیر و بعضی مناطق عراق و سوریه) رفتند. بعدها بخشی از ترکمن‌ها با آن‌هم فرا تورفته حتی به اراضی حبشه (اتیوپی کنونی) نیز نفوذ نمودند. بخش قابل توجه دیگری از ترکمن‌ها به رهبری خانهای "خلج" در قرون دوازدهم وارد هندوستان شده‌در جلگه‌های حاصلخیز سند و گنگ اسکان یافتند. "بختیار" نامی از سردا ران "خلج" و فرزندان وی مدت‌ها در بنگال حکومت کردند و از سال ۱۲۹۰ تا ۱۳۲۵ میلادی پادشاهی کل هندوستان در دست سردا ران خلچ بود. سرکرده‌گان ترکمن در قرن‌های ۱۵-۱۶ نقش برجسته‌ای در تاریخ سیاسی هند را بنا نمودند، اما ترکمن‌ها یی که به هندوستان کوچیده بودند، بتدریج با قبایل گوناگون افغان و ترک و بومیان هندی در آمیخته، در میان جمعیت عظیم بومی، پخش و حل گشتند.

بدین ترتیب یکی از قدیمی ترین اقوام ترکمن که در قرن‌های دهم و یا زدهم میلادی گام در راه تکوین و تکامل گذاشته بود، قبل از اتمام این پروسه متلاشی گشت، فقط بخشی از ترکمن‌ها در آسیای میانه باقی ماندند، ولی اکثر آنان به خا ورنزدیک، هندوستان و یا آسیای مرکزی و فته در آنجا اسکان گزیدند. آنان با بومیان درآمیخته و در آنها حل شدند.

بخشی از ترکمن‌ها که در قرن یا زدهم و بعد از آن در سرزمین خویش-در آسیای میانه- باقی ماندند، از بیوته آزمون تاریخ مستحکم و مقاوی بیرون آمدند و خلق ترکمن امروزی از آنان بوجود آمد.

جهوب به مناطق کشاورزی آسیای میانه و ایران رفتند. در این دوران یورشها و تجاوزگرها سلجوق ها - از قبایل ترکمن - نقش اساسی داشتند. سلجوق ها در ایل قرن یا زدهم در شمال بخارا می زیستند. اموخین شرقی گاهی آنان را ترکمن ها و گاهی اوغوزها و یغضا سلجوق ها نامیده اند. در قرن دهم میلادی سلجوق نامی از حکمرانان آنان علیه حاکم مغول، علم طغیان برافراشت و پس از فرا رموز دھما یت امیر بخارا رگرفت. به همه قبایلی که در این حدته به همراه سلحوق گریختند و با بعدهانه آنان پیوستند، "افراد سلسنج" و یا "سلجوقيان" نام نهاده اند. آنان مانند بسیاری از ترک ها دیگر دین اسلام را پذیرفته و بسیاری از عنصر تمدن بومی را جذب نمودند. این اوغوزها یعنی سلجوقیان به مرور زمان به ترکمن ها موسوم شدند. هرچند سلجوقها بعد از قدرت پا فتند ولی در اوایل سده یا زدهم تاب مقاومت در برآ بر هجوم سایر قبایل ترک گردیدند. بخشی از عمدۀ آسیایی میانه و منجمله بخارا را به تصرف خود در آوردند. بودند نیا ورده و به ناچار از جیحون گذشته به سوی خراسان گریختند. در آن زمان سلطان مسعود غزنوی بر مناطق شمال شرقی ایران حکومت می کرد.

سلطان مسعود به مقابله با سلجوق پرداخت. لشکریان اعزامی او برای سروکوب سلجوق و افرادش شکست خورد و تا روما رگردید. سلطان مسعود از پیای ننشست و مجددا به لشگرکشی علیه سلجوقیان پرداخت، ولی لشگریان او برای بازدوم منیزم گردیدند و سرداران سلجوق تما می خراسان را به تصرف خود در آوردند و بادشا هی سلجوقی را بنیاد نهادند و مرورا به پایتختی خود نتاختاب کردند.

با پیروزی سلجوقیان اوضاع تغییر یافت. تما می اوغوزهای آسیای میانه و برخی قبایل صحرانشین بتدریج برگردانهای جمع شدند. همه این مردم - که به صدهزار تن بالغ می شدند - کم کم "ترکمنها" خوانده شدند و همانند ساسایر قبایل و طوایفی که وارد ترکیب ترکمن ها گشته بودند، نام اوغوزها نیز بتدریج از بادها رفت و عمدها در روایات و شجره نامه های قدیمی باقی ماند. در سده دوازدهم فقط به یکی از طوایف ترکمن - طایفه ای که در حوالی بلخ می زیستند - و در ۱۱۵۳ میلادی علیه سلطان سنجعلم عصیان برافراشتند، نام "اوغوزها" اطلاء شده است.

بدين ترتيب روند تکا ملی قوم ترکمن آغاز می شود . در ترکیب ترکمن ها عمدتاً اغوزهایی که پس از فروپاشی دولت اغوزهای در آسیای میانه بجا مانده بودند و نیز بسیاری از قبایل بیابان نشین (خلج ها ، قارلیق ها و ...) وارد می شوند . سرداران سلجوق تنها به تصرف خراسان اکتفا کرده در جنگهای استیلاگرانه جدید ترما می ایران ، ماوراء قفقاز ، عراق ، سوریه ، آسیای صغیر و همچنین سراسر آسیای میانه را به تصرف خود درآوردهند . آنان حتی امپراتوری روم را دچار رشکستهای فاحش ساختند . خود امپراتور توسط سربازان ترکمن اسیر گشت . دولت سلجوقيان در نیمه

آغاز پروسه تکامل قوم ترکمن

پیدایش نام ترکمن‌ها

میراث داران را سین تمدن خراسان و خوارزم بوده است . در سال ۱۵۱۶ میلادی خراسان و سپس خوارزم به تصرف استیلاگران عرب درآمد . اعراب مهاجم دین اسلام را با خودیهای منطقه آورند . بخشی از اعراب و عمده اعراب بدیهی در بیان آنها قلمرو جنوبی ترکمن‌ها اسکان گزیده بعدها وارد ترکیب ترکمن‌ها گشتند . بخلافی عرب تا اوایل قرن نهم بر این منطقه حکم راندند و سپس حاکمیت به حکام بومی یعنی امیران خراسان و شاهان منتقل گردید .

مقارن با این دوره اتفاقات مهمی در صراحت ای متصل به دریا چهارال و دریای خزر رخ داد . رسیدم الکیت خصوصی بردا مها و چاهها پیدا یش طبقات و مبارزه طبقاتی در میان کوچ نشینان تشدید گنگها و برخوردهای میان طوابیف ، چا و لگری و لشگرکشی به مناطق دوردست ، سبب پیدا یش و نیز فروپاشی اتحادهای گوناگونی در میان طوابیف صراحت نشین می‌گشت . این امر در هر حال به آمیزیش بیشتر

قریب به دوهزار سال پیش " آلانها " که از سلاف سارماتی و ما ساگتها بودند در صراحت ای قلمروی ترکمن‌ها جایگاه و موقعیت بسیار مهمی کسب کردند . آلانهای ساکن دشتهای شمال قفقاز و کوهپایه‌ها ، دامدار بوده و بخشی نیز به کشت و زرع اشتغال داشته‌اند . آنان بسا اسپها و جنگجویان بی باک خود مشهور بودند . آلانها شمشیر آهنی را ستایش می‌کردند .

باقای این آیین به صورت تقدیس " جوهر پیهاق " یا " جوهـر قلیج " (نوعی کار دیا شمشیر از آهن سخت) هنوز نیز در میان ترکمن‌ها حفظ شده است . آلانها یکی از اجداد اصلی ترکمن‌ها (همچنین بخشی از کوه نشینان قفقاز) محسوب می‌گردند . اگر بخواهیم دقیق تر بیان کنیم ریشه طایفه " یازر " - از طوابیف قدیمی ترکمن - احتمالاً به " یاس‌ها " (یکی از شاخه‌های آلانها) می‌رسد . طایفه ترکمنی یا زر بعدها به نام " قره داشلی " نامیده شده است . آذاب و ستن آلانها مثلاً عادت شکل بیضوی دادن به سر بچه‌ها از طریق بستن مداد و آنها با دستمال تا همین اوخر در بین ترکمن‌ها حفظ گردیده بود . استفاده از کلاه پوستی (تلپک) ، پوشیدن " قزپل دون " (قبای سرخ) و بسیاری از جزء زین و برگ اسب و ... احتمالاً از آلانها به ترکمن‌ها رسیده است .

حدود ۲۰۰۵ سال قبل ویا بیشتر از آن ، طوابیف مختلف دامدار و کوچ نشین ، مغول ، که با قدکوتاه و چشم‌انی مورب و کوچک متمايز می‌گشتند . از آسیا ای مرکزی و از آسیا بانهای متصل به دریا چهارال و خزر شدند . نخستین آنها هون " ها بودند که با ماساگت ، آرال میخته و " افتالیت‌ها " را پدید آورند . احتمال می‌رود که اینان نیا کان ترکمن‌های " ابدال " و بعضی طوابیف افغانستان باشند . در پیدای خلق ترکمن مهمنtri نقش زا ورود " اوغوزها " و " قارلیقها " . وبسیاری دیگر از طوابیف ترک به آسیا میانه (از قرن ۶ میلادی به بعد) ایفا نمود .

مناطق ترکمن نشین کنونی (در اتحاد شوروی ، ایران و افغانستان) از زمانهای قدیم عرصه تاخت و تازهای متواتری پادشاهان و حکام گوناگون بوده است . ۲۵۰ سال پیش پادشاهان ایران مردمان دامنه کوههای کوپیت و استانهای حاصلخیز کناره های مرغاب و جیحون را تحت تابعیت خود درآورده‌اند . اما در جنگ علیه طوابیف صراحت نشین با رهای دچار شکست‌های سنگینی نیز گشته‌اند . اسکندر مقدونی استیلاگرنا می‌یونانی وفات سرزمین ترکمن‌ها در جنوب ترددیک به ۲۳۰۰ سال پیش ، نتوانست صراحت نشینان را مطیع خود سازد .

اقوام کشاورزیها و مارگیانا بینهایه مغلوب استیلاگرنا گشته‌اند . پیوسته در آرزوی آزادی بوده‌اند . ۲۵۰ سال قبل از میلادیکی از سرداران بومی ، موسوم به " آرشاک " (اشک) بایاری داخلهای بخش سفلای تجن علیه یونانیان سورید و به دنبال پیروزیهای پی در پی شاهنشاهی بسیار بزرگ پارتها (اشکانیان) را - که بیش از ۵۰۰ سال دوام آورد - بنیان نهاد .

در قرون سوم میلادی پارتها مغلوب شده و تارومارگردیدند و مناطقی که قسمت‌هایی از شمال و شمال شرقی ایران کنوتی را دربر می‌گرفت در نتیجه سیاستهای فاتحین بتدريج نام " خراسان " بخود گرفت . ساکنین این استان که فرزندان پارتها ، مارگیانایه و احتمالاً داخهای بوده اند . اینان به زبانی نزدیک به زبان عمومی خراسانی هاشناخته شده‌اند . اینان به زبان فارسی است - تکلم فارسی و تاجیکی - که از شاخه‌های زبان فارسی است .

خراسانی‌ها در کوهها و روستاها زندگی کرده ، عمده‌باشد زراعت و پیشه‌وری اشتغال ورزیده‌اند . در میان آنان سوداگران نیز بوده‌اند . در قرن‌های ۱۰ - ۶ میلادی خراسان دارای تمدنی عالی بوده است . شعرا ، دانشمندان ، معماران زبردست و استادان حرف‌گوناگون در آن می‌زیسته‌اند . بخشی از خراسانی‌ها و خوارزمی‌ها بعد از تدریج با ترکمن‌ها در آمیخته‌اند . بهمین جهت نیز خلق ترکمن یکی از

مرکزی (آلتاپی ، سین کیانگ و مغولستان) به محدوده ترکمن شیخن امروزی (درشوری ، ایران و افغانستان) آمده‌اند.

نام "ترکمن‌ها" برای نخستین بار در آستانه تاریخ ادبیات ۱۲۰۰-۱۵۰۰ سال قبل ثبت شده است. در پاره‌ای اسناد درباره تصرف آسیا توسط اعراب و نیز در دایرة المعارف "تون - دیانگ" چین - که در قرن هشتم تنظیم شده - از ترکمن‌ها نام برده می‌شود مقدسی جغرافی آن با می‌عرب در اشری معروف خود را ترکمن‌های ساکن "سمیرچیه" سخن گفته است که رهبر آنان در شهر "اردو" زندگی می‌کرده است. نظام الملک سیاست‌نمای خراسان زندگی کرده‌اند. در آن زمان در اواسط قرن دهم در دشت‌های خراسان زندگی کرده‌اند. در آن زمان واژه "ترکمن‌ها" به معنی "پراکنده" بکار رمی‌رفت. می‌توان گفت که نام ترکمن‌ها به بخشی از قبایل صحرائی شین ترک زبان (آوغوزها، قارلیق‌ها و ...) مناطق زراعی آسیای میانه یعنی (محدوده‌ای قرقیزستان، ازبکستان، ترکمنستان، افغانستان گنونی و ...) اطلاق می‌شده است، که تمدن همسایگان کشاورز خوش راجذب و تداوم بخشیده و نیز زودتر از سایر قبایل ترک زبان، اسلام آورده‌اند.

(۲) - طوایف بیان، قاییی، با پندور، بیگدلی و دودورغا جزو طایفه‌گوکلان می‌باشد که اکنون در ترکمن صحرای ایران اسکان دارند. خواجہ رسید الدین فضل الله درباره طوایف نامیرده در اثر مشهور خودجا مع التواریخ به تفصیل سخن گفته است. ایگرها نیز در حومه گنبدگا ووس ایران زندگی می‌کنند.

(۱) - شماره و نام این روایات راخان خیوه "ابوالغازی" در اثر خودبه‌نام "شجره‌نسل ترکمن‌ها" (قرن ۱۷) آورده است.

چنان‌که در بارلاذرکش در پروسه تکوین و تکامل خلق ترکمن از بین همه طوایف ترک، آوغوز هانقش بُرجسته‌ای ایفا کردند. آنان در قرون ۸-۶ میلادی در آسیای میانه ظاهر شده، بتدریج تقریباً در تمامی صحراء‌های آسیای میانه و بخش بزرگی از قراستان (یکی از جمیع ریشه‌ای کنونی اتحاد شوروی) پخش گشته، طوایف کوچ نشین آنانها، یا سه‌ما... را تحت تبعیت خویش در آوردن و آنان در آن می‌باختند.

"آوغوز‌ها" که به طوایف متعددی تقسیم می‌شدند در قرن دهم دولت بزرگ آوغوزها را بوجود آوردند. حکمران آنها موسوم به "با بغو" در شهر "ینگی کفت" در بخش سفلای رود سیخون اسکان نداشت، بخش عمده آوغوزها داما رای می‌کرده، بز و گوسفند، اسب و شتر پرورش می‌داده‌اند. آنان در صحراء‌ها "لاچیچهایی" با پوشش پرداوا (موسوم به قارا ۱۱ و) می‌زیسته‌اند. در میان آوغوزها در مناطق گرمسیری کشنا و روزان و ما هیگران نیز بوده‌اند. آوغوزها بمثاله سوارانی شافت ایگیز و تیزاندا زانی زبردست شهرت داشته‌اند. اکثریت قریب به اتفاق آنها را داما ران و کشاورزان آزاد تشکیل می‌داده، ولی در میان آنان برده‌گان نیز بوده‌اند.

در میان آوغوزها روايتها بی درباره تاریخ طوایف شان وجود داشته است، بطور مثال روایاتی درباره "آغوزخان" بنیان‌گذار و سرسلسله آوغوزها و نیز پدر قیزمان و افسانه‌ای آنان، و نیز درباره جنگجوی نامدار "سالیرقا زان" و وزیر خردمند و "قورقوت آتا" و دیگران اینکه بخش قابل توجهی ازا آوغوزها را طوایف قدیمی صحرائی شین آسیای میانه (مانند آلانها و ...) تشکیل داده‌اند، حقیقتی تردید ناپذیرمی باشد. بهمین سبب نمی‌توانیم آوغوزها آسیای میانه در قرون نهم و دهم را طوایف خالق ترک ارزیا بی‌کنیم.

بخشی از آنان بویژه ساکنین نواحی سفلای سیخون و بیانهای قراستان مرکزی امروزین از نژاد مغول بوده‌اند. (جغرافی دان عرب آنها را کوتاه قدودا رای چشمانی تنگ توصیف نموده‌اند)

ما در میان نامهای طوایف آوغوزها به اساس می‌زیادی بر می‌خوریم که در میان ترکمنها وجود دارد. بطور مثال می‌توان به اسامی سالیر (سالور)، بیانات، قایی (از طوایف قبایل گوکلان)، "ایگدر"، "بایندر" (طایفه‌ای از قبیله گوکلان وابدال)، بکدلی (بیگدلی)، کارکین (قاچقین)، "توتورغا" یا "دودورغا" (طایفه‌ای از قبیله گوکلان) و برشی دیگر اشاره کرد.

بسیاری از تاریخ نویسان برای این اساس معتقدند که در میان آوغوزهای قرون نهم و دهم ترکمن‌ها نیز بوده‌اند. ما این ادعای چندان به حقیقت نزدیک نیست. درواقع آوغوزهای کی از نیاکان ترکمن‌ها بوده‌اند. باید توجه کنیم که اولانها بخشی ازا آوغوزهای بعدها ترکمن نام گرفته‌اند. ثانیانه تنها آوغوزهای بکله نمایندگان طوایف و قبایل زیادی وارد ترکیب ترکمن‌ها گشته‌اند. بدین ترتیب بخشی از نیاکان ترکمن‌ها بومیان کشاورزان ایل ترک زبانی در مناطق ترکمن‌نشین امروزی بوده. و بخش دیگر قبایل ترک زبانی از نژاد مغول بوده‌اند که عمده‌ای داما رای اشتغال ورزیده و از آسیایی

اما بیورش وحشیانه لشگریان چنگیز خان در سال ۱۲۵۰ میلادی اوضاع را اساساً سدگرگون کرده و کشاورزان و مردمان شهرشین که بخشی قتل عام شده و بخشی نیز به اسارت درآمدند، متهمل چنانیات بزرگی گشتند. شهرها ای خراسان و خوارزم ویران گردید و بسیاری از آنها از سکنه خالی شد. شبکه‌های آبیاری زیادی منهدم گشت، و بر پیکر تمدن کشاورزی آن سامان ضربات سنگینی وارد آمد. در تولید دامداری جایگاه تخته را حراز کرد و قبایل کوچ‌نشینی و نیمه کوچ‌نشینی که ترک نا میده می‌شدند بتدیرج در امور اقتصادی نقش اصلی را ایفا کردند. این قبایل که بخشی آذنان به زندگی اسکان یافته گذاشتند بودند در قرنها ای ۱۳-۱۵ بطور عمومی ترکمن ها نا میده می‌شدند. بقایای مردم کشاورزی زیان ساکن در مناطق ترکمن ها نیز بتدریج در میان ترکمن ها حل شده زبان آذنان را می‌پذیرند و خود را ترکمن می‌نمند.

قلمرو ترکمن ها در جنوب ترکمن صحرا ای ایران و مناطقی از خراسان در قرنها سیزدهم و چهاردهم تحفظ سلطه ایلخانی ایلان (هلکو خان) مغول واقعاب وی درآمد و بعد از آن نیز تحت تسلط تیمور لنگ و خاندان وی قرا رگرفت. در این دوره مناطق شمالی (استان ترکمنستان شوروی امروزی) نیز تحت فرمان خانهای "آل‌تین اردو" (آردوی طلایی) بوده و گهگاه (بوبیزه در قرون پانزدهم) به استقلال نیزدست می‌یافته است.

مناطق جنوبی در دوره تسلط مغولها، شدیدترین تهاجمات و ویرانی ها را متهمل شد و توانایی جبران خسارات وارد نداشت. در این سوزمین بیانات ها، سنجرها و برخی دیگران قبایل ترکمن و نیز بقایای خراسانیها اسکن، که بسیاری از عادات و زبان آذنان را پذیرفته بودند، زندگی می‌کردند. در بسیاری از شهرها و مناطق روسی دامدارانی که زندگی اسکان یافته اختیار نموده بودند، در طی زندگی مشترک با بومیان کشاورز قبایل مشترکی را تشکیل می‌دادند، قبایل ترکمن "نخورلی"؛ "موبرجه‌لی"؛ "آنولی" "مهین لی"؛ "مختوم" و برخی دیگر بین‌گونه شکل گرفتند. بخش عمده ترکمن هادر آن زمان در مناطق شمالی می‌زیستند. در قرون سیزدهم قبایل گوناگون از دست مغولان مهاجم به اعمال آغاز بیانهای پناه بودند، همچنین بقایای قبایل قدیمی اوغوز، سالیرها چوودورها، ایگرها، اوساریها (که به نام سرکرده خود ارساری بیان را میده می‌شدند) همه در آن مناطق گردآمده بودند، و رفتارهای خود را اشتغال یافتند.

در زمان هجوم مغولها، آب رودخانه جیحون از کتابهای آن سریز شده، به سوی غرب جریان یافته، جلاگه بیکران "ساری قامیش" را سیراب می‌تموده است. دریاچه بزرگی از آب شیرین نیز در این محل بوجود آمده بود. ترکمن ها و سایر فرازیانی که از طوابیف مختلف بودند در "سازی قامیش" گردآمده، با احداث شبکه‌های پیچیده آبیاری به زراعت پرداختند. به کمک شبکه‌های آبرسانی "بیش از ۵۰ هزار هکتار زمین آبیاری می‌گشت. بخشی از مردم تیزبه پیشه و ری

تکامل قوم ترکمن و پیدایش ملت ترکمن

مقدمتاً با یادبیه سرنوشت ترکمن هایی که در زمان حمله ایلخانی سلجوکیان در آسیای میانه باقی ماندند اشاره شود. آنها عمدتاً عبارت بودند از قبایل طوابیف مختلف اوغوزها مانندیا زیر (یا زر)، سالیر (سالور، سالار)، بایات (بیات)، چوودیر، کا و کین (قا رقین) ایگدیر (ایگدر)، کایی (قا ایی)، توتورغا (دو دورغا)، بکدلی (بکدلی) بیگدلی) و ...

اول اسیایی از آنها بطور عمده زندگی اسکان یافته اختیار نموده و در عین اشتغال به دامداری به کشاورزی نیز می‌پرداختند و متناسب با این وضعیت، افراد نیز به چومورها (کشاورزان تخته قاپسو) و چارواها (دامداران کوچ نشین) تقسیم گردیدند.

ثانیاً آذنان هنگام گذاری زندگی اسکان یافته به جهت آنکه در جوا رخسا نی ها و خوارزمی ها تاخته قاپوسکنی گزیدند، در پروسه کار و رحمت با آذنان نزدیک شدند. این نزدیکی تا شیرخود را بر شیوه تولید، زندگی، فرهنگ و تمدن و زبان آذنان به جای می‌نماید. اوغوزها پیشه و ری و کشاورزی را از خراسانی ها فراگرفتند و بسیاری از واژه های آذنان را در زبان خود داخل کردند. خراسانی های نیز به نوبه خود خیلی چیزهای (بوبیزه در زمینه دامداری) و نیز عرف و عادات و واژه هارا از همسایگان جدید خود کسب نمودند. اقوام کشاورزان نیز تولید و تمریق نزدیکی بهم، یکدیگر از در عرصه تولید و تمریق غنی ترمی نمودند.

محمود کاشغری داشمند ترک در قرون یازدهم میلادی چنین نوشته است: "آذنان (غزها) از مانیکه با پارسها در آمیختند، بخشی از واژه های خود را فرا موش نموده بجا ای آن شروع به استفاده از کلمات پارسی نمودند" محمود کاشغری بعنوان نمونه بسیاری از واژه های مزبور را در اثر خود آورده است. تقریباً تما می این واژه ها کلمات مربوط به کشاورزی و پیشه و ری است.

در قرنها ای یازدهم ودوازدهم خراسانی ها و خوارزمی ها بدون تردید هم از نظر شما ربرا غوزها فزونی داشتند و هم از نظر درجه رشد در مراحل با لاتری بودند.

و بخشی دیگریه دامدارای پرداخته اند . چا هها و آنکه های خشک شده ای که اکنون در آن منطقه وجود دارد، خود بیان نگران باست که روزگاری انسانهای زحمتکش زیادی در این نواحی زیسته اند . درواقع نیز در مناطق شمالی بجزالیرها، چوودیرها، ایگدرها، ارساری ها، خیزیرلیهای آلیهای قبایل دیگرترکمن چون تکه، بیمودت، گوکلنج، بیمیرلی، آراباچی، آتا و ... نیز زندگی کرده اند . از مطالب فوق این نتیجه به دست می آید که درواقع این منطقه خشن محل نشوونمای خلق ترکمن بوده است .

اتمام پروسه تکوین قوم ترکمن مربوط به قرنها ۱۴-۱۵ می اشد . در آن دوره وحدت قبایل ضمانتین - که زندگی اسکان یافته شده اختیار نموده بودند - با تقاضای مردمان تخته قاپوی قدیم آن در جنوب اساساً پایان یافت . مقارن با شمال نیز مردمانی که از دست ستم خانهای مغول جلای وطن کرده و به این مناطق آمده بودند، قبایل جدیدی تشکیل دادند .

اوغوزها و نیز مردم اسکان یافته خراسان شمالي که با آنها آن میزش یافتد، نیاکان اصلی ترکمن هاستند . بجز اینها معاصر در ترکیب ترکمن ها با نامهای شناخته شده ای چون ابدال، عرب، قالمیق، قپچاق، قارلیق (قارالوق)، مغول، تاتار، مرکیت، موکری، آغار، گراپلی (گراپلی، گرمی)، خلچ و قبایل دیگر برخورد می کنیم . این نامها متعلق به قبایلی است که زمانی در محدوده ترکمنهای زیسته و به قبایل ترکمن پیوسته اند .

برخی طوابیف ترکمن (ما نندطاویف سیتدیا سید، شیخ، خوجه) احتمالاً در رابطه با روحانیون مسلمانی که در سرحدات قلمرو ترکمنها می زیستند بوجود آمده اند . بدین ترتیب تکوین و تکامل خلق ترکمن همانند سایر خلق ها پیچیده بود . از نژادها و قبایل گوناگونی که باهم آمیخته، به مجموعه واحد پیوسته اند و همدیگر را غنی ساخته اند بوجود آمده است .

پیدا یش قوم ترکمن . در قرنهای چهاردهم و پانزدهم با شرایط معینی مشروط گشته بود، این شرایط عبارت از این بود که در جنوب حفظ بقایای نیرومند ساختار قبیله ای، روند تکاملی فئودالیزم نیزنه تهدیه میان اهالی اسکان یافته، بلکه در میان مردم کوچ نشین صحراء نیز پایان یافت .

پس از آن در قرنها ۱۴-۱۸ قبایل ترکمن های شمال به دنبال خشکیدن تدریجی دریاچه ساری قاچی و از سوی دیگر تشدید خملات لشگریان خانهای ازبک، قالمیق و قراقچه به سوی جنوب سرازیر شدند . در قرن ۱۶ آلیهای ها، گوکلنج ها، بیمودت، گوکلنج، ارساری ها و شاهزاده های دیگر، در قرن ۱۷، ارشادی ها و سالیرها و ساریق ها در قرن ۱۸ تکه ها و بخشی از بیموتها نیز به جنوب مهاجرت نمودند . درست در همان قرون بخش دیگریم موتها در غرب خوازم (استان داش خوش فعلی در ترکمنستان شوروی) به زندگی اسکان یافته گذا رنمودند . در اوایل قرن ۱۹ چوودیرها نیز آنان پیوستند . این گونه مهاجرت ها به جنگهای بین قبایل منجر شد . در

نتیجه این جنگها یا زرها (قره داشلی ها)، بیمولدی ها و بخشی از آلیلی های به خوارزم و بخش دیگرها فغانستان رفتند . بسیاری از اینها را زرها زیستگاه خود را تغییر دادند . بخشی از آنان (عمدتاً چوودیرها) در اوایل قرون ۱۷-۱۸ حتی به رویی مهاجرت کردند . پراکندگی قبایل ترکمن مورداً استفاده وسیع دولتها فئودالی همچو رهمچون شاهان ایران، خانهای خیوه . وبخارا قرار می گرفت . آنها می کوشیدند تا با انانواع شیوه ها تحصیل دشمنی و نفاق میان ترکمن ها بیانشند و آنان را به زانودرآورند .

چنین وضعیتی در وجود فرزانه ترین و آینده نگرترین افراد ترکمن از جمله مختوم قلی شاعر و اندیشمند بزرگ ترکمن - که ترکمن ها را به اتحاد، برای رفع ستم بیگانگان و ایجاد دولت مستقل خویش فرامی خواند - تأسف و خشم و کین عمیقی می آفرید . اما این آرزوی شاعر و نه تنها در حین حیات وی، بلکه حتی پیش از گذشت صد سال از درگذشت نیز تحقق نیافت . پراکندگی خلق ترکمن، تمايز طوایف مختلف بوسیله برخی آداب و رسوم، لباس و نوع مسکن و اختلاف گویش های قبایل مختلف - که گاهی سبب دشمنانگاشتن یکدیگرمی شد، مدت‌ها ادامه داشت .

به راستی علت اینکه خلق ترکمن در آن زمان موفق نشد بر این پراکندگیها چیزه شود چیست؟ علت اصلی را باید در عقب مانندگی اقتصادی ترکمن ها جست . تا واسطه قرن نوزدهم دامداری - که بدون تمهیه و ذخیره سازی علوفه انجام می گرفت - و وجود اقتصاد روزتا یعنی عقب مانده - بدون سیستم صحیح کشاورزی واستفاده از ابتدایی ترین ابزارهای سیاست آبیاری - پایه اقتصادی است ترکمن ها را تشكیل می داد، همچنین از صنایع دستی در خور توجه نیز خبری نبود . و شهرهایی که بتوانندیه مراکزیاسی، اقتصادی و فرهنگی عموم ترکمن ها تبدیل گردند، وجود نداشت . قبایل ترکمن در زمینه اقتصادی روابط سنتی با هم داشتند . ترکمن های خوارزمی خیوه ترکمن های کناره جیحون با بخارا، ترکمن های دامنه "کوپت داغ" و خومه اترک با ایران و ترکمن های مانقشلاق با روییه دادوستد می نمودند، ولی در عین حال تقریباً هیچگونه دادوستد میان خود نداشتند .

اما علیرغم همه اینها آنان دارای نکات مشترک بسیار زیادی بودند، همه زبان یکدیگر را بخوبی می فهمیدند، تقریباً بالباس مشابهی می پوشیدند . وجه تشابه متعددی در آداب، سنن، شیوه و زندگی و اقتصاد آنان وجود داشت . همه ترکمن های اشعار مختوم قلی و حماسه "کورا و غلی" و داستانهای دیگر افتخار می کردند . مضاف بر آن کم نبود مواقعي که آنان از ترس تهاجم بیگانگان هر چند بطور گذرا متحد می شدند، هر چند این اشخاص ها هرگز توانست قوام یا بدو پایدار گردد . خلاصه کنیم: اقتصاد عقب مانده و طبیعی امکان ندادتا قوم ترکمن بیش از پیش رشد نمود، انسجام یافته و به "ملالت" تبدیل گردد .

پیدائی ملت سوسیالیستی ترکمن

الحاق بخش شمالي قلمرو ترکمن ها به امپراطوری روسیه در نیمه دوم قرن بوزدهم (۱۸۶۸-۱۸۸۵) به لحاظ پیا مدهای بعدی آن حادثه مهمی در تاریخ خلق ترکمن بود. علیرغم مضمون ارتقابی و نظم آن استعما رگرانه تزاریسم، الحاق بخش شمالی به روسیه سبب پیدائی عناصر متفرقی در زندگی این خلق گشت. پروسه جذب این مناطق به سیستم سرمایه داری آغاز گردید. از میان اراضی مزبور خط آهن کشیده شده و شهرهایی با روابط سرمایه داری در اطراف آن بوجود آمد. در شهرها کارگاهات صنعتی تاسیس شد. طبقات جدیداً حتماً یعنی پرولتا ریا و بورژوازی پا به میدان نهادند. کشاورزی نیز تحت تاثیر مناسبات سرمایه داری دگرگون گشت و تولید غله و پشم و بیویژه پنبه بمثاله کالا، رشد بسیار رسیعی آغاز گردید. بخشی از شرکتمندان ترکمن، شروع خود را در روابط بورژوازی بکارانداخته، روابطی یا با نکھای روس برقرار رسانید و به تاسیس آسیا بهای بخاری، کارخانه‌های آجر پزی و حتی پنبه پاک کنی پرداختند.

رشد تولید کالایی و ایجاد روابط سرمایه داری یکپارچگی ترکمن‌ها را تسريع کرد و به پروسه تبدیل ترکمن ها به یک ملت بورژوازی یاری رساند. اما این پروسه تا انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبریه پایان نرسید. زیرا درجه رشد اقتصادی - اجتماعی خلق ترکمن هنوز درسطح لازم نبود و این انقلاب کبیر اکتبریوکه همانندیگر خلق‌های داخل محدوده امپراطوری روسیه خلق ترکمن را نیز به شاهراه ترقی و سعادت سوق داد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر نظام سرمایه داری و ستم ملی را در روسیه برای همیشه به گورسپرد. حزب کمونیست لینینی مبارزه با خاک طرداً قتصادی و شکوفایی فرهنگی ملت‌های عقب‌مانده و ازاً تجمله ملت ترکمن را گسترش داد. اکتبر کبیر سراسر آغا زپیدایش و تکاممل و شکوفایی ملت‌های جدید سوسیالیستی گردید و همیاری برادرانه این ملت‌ها را در کارساختمان سوسیالیسم و کمونیزم بنیان نهاد.

از سال‌های ۱۹۱۷-۱۹۱۸ طبقه کارگران انقلابی روسیه تحت رهبری حزب بلشویک‌ها اتحاد با دهقانان ترکمن را آغاز کرد و در تحریم آن تلاش نمود. پروسه جذب دهقانان ترکمن به شوراها، ارتش سرخ و

نیز جذب پیشروترین آنان به حزب آغا زگشت. از سوی دیگر فئودالها و سرماهیه داران ترکمن دو مخالفت با منافع خلق ترکمن با استعمال رگران (گاردهای سفیدرویی و میریا لیستهای انگلیسی) متحده شد. آشوب‌های ضدشوری در ترکمنستان بیاکردند. و جنگ‌داخلي را آغا زنمودند. زحمتکشان ترکمن بزوی بیت دشمنان مردم پی بردن دوشادوش کارگران و دهقانان روسیه در تحریم انقلاب تلاش کردند. دسته‌های ترکمن تحت رهبری قیزیل خان از تجن "الله‌یا رقربان اف از" قارلی قالا" و نیز دسته‌های عشق آباد ترکمن "تشکیل گردید. ترکمن‌های خیوه و بخارانیزبه مبارزه انقلابی پیوستند. ترکمن‌های ساکار (ساقا ر) و سایادیه رهبری "با شمس‌دار" علیه امیر بخرا و ترکمن‌های کهنه اورگنج علیه بخان جنید" خان خیوه - به مبارزه برخاستند.

درنتیجه اتحاد رزمجویانه زحمتکشان روس و ترکمن و... در سال ۱۹۲۰ حاکمیت شوروی در ترکمنستان استقرار یافت و خلق ترکمن نیز دوشادوش تما می‌خلفهای شوروی در راه ساختمان کمونیزم گام نهاد. در سال ۱۹۲۱ نام استان ما وراء خزر ترکستان به استان ترکمنستان تغییر یافت. و در سال ۱۹۲۴ بوساس وحدت استان ترکمنستان جمهوری ترکستان بنا نوای ترکمن نشین بخارا و خوارزم جمهوری شوروی سوسیالیستی ترکمنستان تاسیس یافت. جمهوری مستقل ترکمنستان در سال ۱۹۲۵ به اتحاد چهارم هیرشوروی پیوست و همزمان با این رخدادها در سال ۱۹۲۴ حزب کمونیست ترکمنستان نیز تشکیل یافت.

تشکیل دولت سوسیالیستی ترکمنستان بمثاله واقعه‌ای بزرگ و بر جسته در تاریخ خلق ترکمن ثبت شده است. این جمهوری که مردمان پراکنده ترکمن را درخواست متحده ساخت شرایط مساعدی را جهت بنای سوسیالیسم در ترکمنستان و نیز رشد و تعالی ملت سوسیالیستی ترکمن فراهم آورد. عوامل زیربرای تامین این رشد و تعالی ضرورت داشت: ۱ - ضرورت ایجاد طبقه کارگر ترکمن بمثاله تیروی رهبر ملت سوسیالیستی . ۲ - ضرورت نابودی طبقات استثنا رگر (کولاک‌ها، اشرف و بقایی خانها)

۳ - ضرورت غلبه بر پراکنده قبیله‌ای - طایفه‌ای خلق ترکمن، پایان دادن به خصوصیاتی دیرپا میان طوایف، قبایل و اقوام مختلفه تکمیل پروسه ایجاد زبان مشترک و همگانی ادبی و محاواره ای ترکمنی و فرهنگ ملی سوسیالیستی و... و نیز ایجاد روش فکران ملی شوروری .

۴ - ضرورت اتحاد طبقه کارگر و دهقانان در درون ملت و تبدیل آن به دوستی و برادری خل ناپذیر.

چون صداقت، شجاعت، عزت نفس، آزادگی و احترام به بزرگان را در خود جمع نموده، آنها را با صفات جدیدی که درنتیجه کار تربیتی حزب کمونیست رشد و تکامل یافته بود (یعنی نگرش سوسیالیستی به کار، انتerna سیونالیسم پرولتیری، بین پرسنی شوروی) تلفیق نمود.

امروزه نیز خلق زحمتکش ترکمن تحت رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی و دوشادوش تما می زحمتکشان کشور درجهت ساختمان کمونیزم - عالی ترین قله تکامل بشری - گام برمی دارد.

پروسه شکل‌گیری ملت ترکمن در ایران

مرا دما از ترکمن صhra آن سرزمین یکپارچه ایست که در آن ترکمن ها با زبان، فرهنگ و خصوصیات اخلاقی و اقتصادی مشترک زندگی می‌کنند. این منطقه از شمال به اتحاد جما هیر شوروی، از شرق به ارتفاعات بجنورد از جنوب به کوههای البرز، از جنوب غربی تا محدوده روستا های فارس نشین حوالی گرگان و از غرب بدريای خزر محدود می‌شود.

همزمان با جنبش مشروطه تا اواسط حکومت رضاخان، زمینه ها و عناصر لازم برای شکل‌گیری "ملت" ترکمن در جنوب فراهم می‌شود. در این دوره تجارت رونق پیدا می‌کند. گسترش تجارت عوام مل حبیبی را در نظام اجتماعی سنتی حاکم بر صحراء به همراه می‌آورد. واردات عمده از شهرهای مختلف فقار (خصوصاً کو) و اشتراخان صورت می‌گیرد و شا مل کلاهای چون چرخ خیاطی - سماور - کبریت، قند و مصالح ساختمانی و کالاهای متفرقه دیگر است. به همراه توسعه تجارت، شهرهای نیز در ترکمن صhra اهمیت پیشتری پیدا می‌کنند. البته تنها محلی که واقع اجنبه شهری بخود می‌گیرد بندگمش دیه است که در این سالها تبدیل به بند مردمی می‌شود. بنظر می‌آید که گنبد را این دوره بیشتر قصبه ای بوده و تجارت خانه های آن بسیار محدود بوده اند و اهمیت آن بیشتر مربوط به کاروانسرا های آن بوده است. علیرغم این رونق نسبی تجارت در مقایسه با مناطقی چون آذربایجان که در مسیر راههای تجارتی عمده قرار داشتند، بند رکش دیه است که عقب افتاده بوده است و بورژوازی تجارتی نوپای این بند قدرت اقتصادی چندانی (مثل آذربایجان) نداشته است.

در این دوره صنایع در منطقه، بسیار رعایت افتاده و ابتدائی بوده است. در تما ماین دوره (مثل امروز) صنایع دستی از محدوده اقتصادخانوادگی و محیط خانه خارج نمی‌شود. بافت قالی - قالیچه

۵ - ضرورت تحکیم دوستی میان زحمتکشان ترکمن با زحمتکشان تما می کشور، غلبه بر کلیه مظاهرنا سیونالیسم، خصوصیات واختلافات ملی و نیز ارتقای اتحاد ملل به دوستی و برادرخیل ناپذیر. تما می وظایف فوق در پرسه ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری حزب کمونیست تحقق پذیرفت.

طبقه کارگر ترکمن در اوایل دهه ۳۵ بوجود آمد. شما رکارگران ترکمن در سال ۱۹۳۶ تقریباً ۱۰ هزار نفر بود. طبقه کارگر ملی که بر اساس سیاست لذینی حزب کمونیست و در دوران حکومت شوروی بوجود آمده توسط سازمانهای حزبی رهبری می‌گشت به ادعای بورژوازی ملی، خانه و ثروتمندان جهت کسب موقعیت رهبری در جامعه ترکمن الى الابدا تمه داده محور وستون فقرات ملت سوسیالیستی ترکمن مبدل گشت.

کلکتیویزا سیون (جمعی کردن) کشا روزی در رشد و تکامل ملت سوسیالیستی ترکمن نقش بسیار رعاظی می‌ایفا کرد. دهقانان ترکمن که تقریباً ۹۲ الی ۹۳ درصد تما می خلق ترکمن را تشکیل می‌دادند تا اواسط دهه ۲۰ از نظر سیاست هنوز از رشد بسیار رکمی برخوردار بودند. وبخشی قابل توجهی از آنان هنوز تا شیر و حاشیون و خانه های قبایل قرار داشتند. اصلاحات اراضی در سالهای ۲۷ - ۱۹۲۵ گام سیاست بزرگی درجهت جذب دهقانان به طرف حکومت شوروی بود. در سال ۱۹۲۹ امک مستقیم طبقه کارگر و تحت رهبری حزب از سال ۱۹۲۹ کلکتیویزا سیون گسترش یافت. روستا ها با مدرنشرین تکنولوژی شدند. در اواسط دهه ۳۵ امر ساختمان کالخوزها با موفقیت تمام در ترکمنستان به پایان رسید.

دو پرسه جمعی کردن کشا و رزی بقا یای کولاک ها و فئودالها و خانه نا بود کشند. این امر شرایط مساعد بسیاری برای شکوفایی جامعه فراهم آورد. در ترکیب اجتماعی ملت ترکمن تنها دو طبقه دوستی یعنی طبقه کارگر و دهقانان کالخوزی و نیز روشنفکران ملی بجای مانندند.

در دوران بنای سوسیالیسم در ترکمنستان انقلاب فرهنگی و مدنی نیز گسترش یافت. مدارس زیا دوفراگیر، آموزشگاه های عالی، روزنامه ها و مجلات به زبان مادری بوجود آمد. ادبیات ترکمنی شوروی، تاتر ملی، موسیقی، هنر و سینما و... بطور موفقیت آمیز رشد کرد. زبان ادبی و فراگیر ترکمنی کمال یافت.

دو پرسه و شادقتاً ملی و انقلاب فرهنگی ترکمن های قبایل مختلف با هم در آمیختند. تفاوت های دیرینه قبیله ای کم رنگ تر شد. تعداد کثیری از ترکمن ها به زندگی در شهرها پرداختند. "عشق آباد" پا یتخت چمهوری ترکمنستان به مرکز ملی اقتصادی و فرهنگی تما می خلق ترکمن مبدل گشت. و در کنار آن دوستی خلق ترکمن با سایر ملت سوسیالیستی ترکمن، بهترین صفات قدیمی مردم ترکمن،

برنا مههای که دستگاههای اداری و نظامی دولت رضاخان از او سطح حکومت وی آغاز کردند آن سیرتکامی را که جامعه ترکمن در ارتباط با رشد تجارت در بندرگشاده و بورژوازی تجاری نو پای ترکمن می‌توانست داشته باشد متوقف کرد و آنرا در مسیری خاص انداخت که امروز شرایط حاکم بر زندگی اجتماعی مردم ترکمن ادامه منطقی آن مسیر است و درنتیجه تمام جلوه‌های ستم ملی که امروز بر ملت ترکمن وارد می‌شود منشاء خود را در سیاست‌ها دارد که دولت رضاخانی در آن سالها آغاز کرد.

در مجموع روابط سرمایه‌داری که خصلتها بوروكراطیک داشت در شهرها رشدیافت و قشری از غیرترکمن ها (عمدتاً فارس) که وابسته به ادارات دولتی بودند اسکن منطقه شدند.

نمدوغیره در محدوده منازل روستا نشینان و عمدتاً به وسیله زنان صورت می‌گرفته است برخلاف مناطقی که شهرها رشد بیشتری داشته اند (تبریز، مشهد و غیره) هیچگاه این صنایع دستی به کارگاه‌های شهری منتقل نشده‌اند مجموع اقشار اجتماعی مثلیشه وران، کسبه و زحمتکشا ن شهری نیروها بسیار محدوداً جتماعی را تشکیل میداده‌اند. این مسئله بخصوص در آستانه جنبش مشروطه، ترکمن صحراء را از آن نیروهای اجتماعی که توانایی بهدوش کشیدن باز یک جنبش بوژوا- دمکراتیک زاده شده بودند، محروم می‌کند.

عقب افتادگی اقتصاد شهری، جدا از نظام بسیار عقب افتاده‌ای که بر روستاهای ترکمن صحراء حاکم بود، قابل بیان نیست در روستاهای رشته تولید عمده‌داری بود و در کشاورزی نیز اهمیت داشت نظام حاکم بر روستا نوعی نظام پدرسالاری و شبانی بوده است. مراثع در مالکیت روستاهای مجاور آن بوده و در مجموع مالکیت خصوصی بر زمین وجود نداشته یا زمین کشاورزی در مالکیت یک واحد اجتماعی بوده و کشت و زرع هم بطور دسته جمعی صورت می‌گرفته و یا، در آنجائی هم که کشت و زرع فردی صورت می‌گرفته هنوز مالکیت فردی تشبیت نشده بوده است. وجود زمین‌های وسیع قابل کشت و ضعف نیروهای تولیدی (تکنیک‌های عقب افتاده کشاورزی و کمبود نیروی انسانی نسبت به زمین‌های قابل کشت) امکان میداده روستا ترکمن صحراء به اندازه توان خودکشتن کند و عملی در استفاده از زمین محدودیتی به وجود نیما مدد درنتیجه تا حدودی لزوم مالکیت فردی زمین و مشخص کردن حد و مرزهای آن به وجود نیما مدد خانها و ریش سفیدان از امتیازات خاصی نسبت به دیگران برخوردار نبودند و هنوز اموال عمومی را بخود اختصاص نداده بودند.

شکافی که رشد تجارت بتدریج در نظام حاکم بر ترکمن صحراء بوجود می‌آورد با زتاب خود رانه‌تنهای در گسترش شهرها و در رشد مصرف بلکه بطور طبیعی در شیوه‌های زندگی سنتی ترکمن ها نیز نشان میداده، بعد از قرن‌ها ترکمن‌هایی که در آلاچیق زندگی می‌کردند به خانه‌های چوبی و خانه‌هایی که از مصالح ساخته تجارت و مساقیتی که به باکو و شترخان می‌شد روا و ریند. در کمش دیه تجارت و مساقیتی که به باکو و شترخان رفت و آمداده شدند اولین بار اولیا سهای سنتی را کنا رگداشتند و کت و شلوار پو شدند. اولین نسل ترکمن‌هایی که به تحصیلات غیر سنتی پرداختند از ساکنین کمش دیه بودند. اینها در جات مختلف فرهنگ و افکار سیاسی و اجتماعی را به منطقه منتقل می‌کردند.

سالهای اول حکومت رضاخان با تغییرات محسوس ولی نه چندان مهمی در جوانب مختلف زندگی مردم ترکمن‌ها بود. کنترل بیشتر مرزها، پیدا شدن سروکله ژاندارم‌ها و مامورین دولتی ادارات رضاخانی و غیره از علائم این تغییرات بوده به محض آنکه رضاخان از مشغولیات مهمتری که در سایر نقاط ایران داشت فارغ شد و به ماشین اداری نظامی خود سر و صورتی داد، متوجه ترکمن صحراء شد.